



سند شماره: ۱۹۶

فرستنده: جنرال قونسولگری دولت علیه ایران در بین النهرین بغداد

گیرنده: وزارت امور خارجه

تاریخ: ۳ عقرب ۱۳۰۳

نمره: ۱۲۳۹۲

متن سند:

سیاست عمومی - آتیه محمره

از قرار اخباری که اخیراً می‌رسد، این روزها روابط بین حضرت اشرف شیخ خزعل امیر محمره و حکومت رضاخان تیره و تار شده، و آخرین خبری که از منابع صحیح به ما رسیده، این است که حضرت شیخ مدتی است به تهیه وسایل جلوگیری از وقوع بعضی اتفاقاتی که ممکن است از حرکات خصمانه حکومت حالیه ایران به ظهور برسد مشغول است و منتهای سعی و کوشش خود را در تهیه قشون معتناهی صرف و آنها را به اسلوب جدید تعلیم و با اسلحه جدید مسلح نموده، همان‌طوری که در نظام دول متمدنه امروز معمول و متداول است و بنابر این اشخاص عارف تصور نمی‌کنند که اگر خدای نخواسته بین او و حکومت ایران یک خصومت جدی پیدا شود، مقام امارت او متزلزل شود. ما هیچ میل نداریم که روابط بین امیر محمره و حکومت ایران به این پایه برسد زیرا ما معتقدیم که حضرت معظم له امیری است از امرای عرب و ما برای تمام اعراب یک آتیه مشعشی را منتظریم و نیز می‌دانیم که معظم له از چندی به این طرف پایه امارت خود را بلند گرفته و به امور راجعه به آن رونقی داده و وسایل امنیت و آسایش را در داخله مملکت خود کاملاً برقرار نموده است و به این جهت کارهای آنجا همه مرتب و حالت اقتصادی آنجا رو به ترقی گذارده است و نیز معظم له در امارت خود مدارس متعدده باز و نسبت به حفظ الصحة عمومی نیز توجه مخصوصی نموده، و مریضخانه در آنجا تأسیس نموده است، اگر چه سابقاً هم بوده، ولی اخیراً تکمیل شده است و بذل توجه مخصوصی نیز در تأمین اجانب (با وجود اختلاف عناصر و مذاهب آنها) نموده است و بالاخره برای ترقی و تمدن بلاد خود از اتخاذ هیچ گونه وسیله فروگذار ننموده است. اینها مطالبی بود راجع به داخله مملکت و اما روابط و مناسبات خارجی او، آنچه را که ما می‌دانیم این است که با دولت ایران رابطه دوستی و مودت کامله داشته و روابط او

هم با ایران فقط رابطه اسمی بوده، به این معنی که امارت محمره اسماً در تحت ریاست حکومت اعلی حضرت شاه ایران بوده، همچنان که مصر و لبنان و سایر ایالات اسماً در تحت ریاست حکومت ترکیه بودند و امارت محمره همیشه دارای استقلال داخلی خود بوده، و این فقره بر همه واضح و آشکار است و روابط حضرت شیخ با اعلی حضرت شاه ایران خیلی محکم بوده است به دلیل اینکه اعلی حضرت با شیخ در قصر خود شیخ ملاقات و فامیل آن اعلی حضرت نیز چند روزی برای تفریح در آنجا توقف کردند و حضرت شیخ محل وثوق و اعتماد اعلی حضرت بوده و به همین جهت بود که اعلی حضرت مقام او را از سایر امرای ایران بلندتر و او را نسبت به بلاد خودش به منزله یک امیر امینی قرار داده و سرپرستی رعایا را به او واگذار نموده بود، و معزی الیه نیز سوءقصدی نسبت به دولت ایران نداشته است. مانعی توانیم راجع به اتصال روابط امارت محمره به دولت ایران یک رأی صریحی بدهیم، زیرا از نوع حوادثی که اخیراً اتفاق افتاده و مناسبات بین این دو حکومت را تیره و تار کرده است، کاملاً مسبوق نیستیم و فقط اطلاعی که به ما رسیده است، این است که شیخ خزعل به وفاداری خود نسبت به اعلی حضرت شاه ایران کماکان باقی و از قراری که می گویند به اعلی حضرت همیشه دوستانه و به طور خصوصی کمک مالی می کند و تصور نمی کنم که حکومت رضاخان از این محبت و مهربانی هایی که از طرف امیر محمره نسبت به اعلی حضرت می شود مشمئز باشد، بخصوص از مثل شیخ خزعل که عرب است و کرم و وفاداری و بزرگواری مادی و معنوی عرب هم بر همه معلوم است، اگر به طوری که می گویند حکومت رضاخان و یا به عبارت اخری فرقه در ایران باشند که از این حسن رفتار شیخ خزعل نسبت به اعلی حضرت (نظر به خروجشان بر او) مشمئز باشند، این اشمعرازان آنها باعث تهیه و تدارک قشون و مهمات بریک امارت چندین ساله که هیچ رابطه بجز رابطه اسمی به حکومت ایران ندارد، نمیشود. پس تعدی و تجاوز به این خاک یک نوع تعدی شخصی است که متوجه شخص شیخ خزعل می شود و در صورتی که این تأویل صحیح باشد، ما می توانیم بگوییم که حکومت ایران مرتکب یک جنایت سختی نسبت به خودش می شود، زیرا شیخ به طوری که می گویند شخصاً در تحت حمایت انگلیس است، پس تعدی به او به این طریق و به این اعتبار تعدی به نفوذ بریتانیا شمرده می شود و تصور نمی کنیم که بریتانیا در مقابل این اتفاقات دست بر روی دست گذارده، بنشیند. در این صورت حکومت ایران باب شر را بر روی خود مفتوح خواهد نمود و این فقره نظر به قرب

جوار ما با ایران اسباب ملالت و افسردگی ما را فراهم خواهد نمود و ما نظریه همجواری همیشه خیر دولت ایران را خواهیم و میل داریم که همیشه در مهد امن آرمیده و از هر چیزی که صفای او را تیره رنگ و مساعی اصلاحیه او را عاطل و باطل می کند دور بوده و در این سیر خود موفقیت کامله حاصل نماید.

اما مسئله حمایت بریتانیا از شیخ خزعل یک مسئله است که در السنه و افواه مردم اینجا و آنجا متداول است و اسناد آن را به یک واقعه معینه می دهند و می گویند یک نفر از ولایه سابق عثمانی در بصره که اسم او سلمان نظیف بوده، در صدد تعدی به امارت محمره برآمده بود. حضرت شیخ هم دید که برای رفع تعدی از خودش چاره [ای] بجز التجای به انگلیس ندارد، ناچار به او پناهنده شد. با وجود همه اینها ما نمی توانیم به صحت این مسئله من البد والی الختم حکم کنیم و آن را به ازمئه آتیه واگذار می کنیم. آن خود بتنهایی خبر را به طور جلی ظاهر خواهد ساخت.



مرکز دراسات عربستان
مشورات حامد الفتی



جنرال قونسلکری دولت عالیہ ایران دوبین النهرین - ۱-

بغداد

کمیته عمومی

آئینہ مجریہ

اداره

مؤرخه

نمبره

فهرمه



مرکز دراسات عربستان
مشورات خاندان النهرین

از قرار اخباریکه اخیراً میرسد اینروز با روابط بین حضرت اشرف شیخ خزعل امیر مجریه و حکومت
رضا خان تیره و تار شده و اکثرین خبریکه از منابع صمیمه با رسید. این است که حضرت شیخ مدتی
به تهیه وسایل جلوگیری از وقوع بعضی اتفاقاتیکه ممکن است از حرکات خصمانه حکومت حالیه ایران
بنظور برسد مشغول است و فتهای سسی و کوشش خود را در تهیه قتل معتنی می صرف و آنهارا
باسلوب جدید تعلیم و با اسلحه جدید مسلح نموده. مانظر ریکه در نظام چریل متدنه امروز معمول و
متداول است و بنا بر این دشمنان عارف تصور میکنند که اگر خدای منور است بین او و حکومت
ایران یک مصوبت جدید پیدا شد و مقام امارت او متزلزل شود ما هیچ سیرنداریم که روابط
بین امیر مجریه و حکومت ایران باین پایه برسد زیرا ما مستقیمیم که حضرت معظم له امیری است
از امرای عرب و ما برای تمام اعراب یک آئینه شغش را منظریم و نیز میدانیم که معظم له
از چندی با منظرش پایه امارت خود را بلند گرفته و با امور راجعه بآن رونق داده و وسایل
امنیت و وسایش را در داخله مملکت خود کاملاً برقرار نموده است و با نتیجه کارهای آنها بهتر
و حالت اقتصادیه آنها در برتری گذارده است و نیز معظم له در امارت خود مدارس متعدد باز
و نسبت بکلیه عمومی نیز توجه مخصوص نموده و مراعات در آنها تأسیس نموده است اگر چه سابقاً هم
وله اخیراً تکبیر شده است و بذل توجه مخصوص نیز در تأمین اجانب (با وجود اختلاف عناصر
مذاهب آنها) نموده است و بالآخره برای ترغیب و تمدن بلاد خود در آنها دیکونه رسید و کنگره
اینها مطالبی بود در راجع به داخله مملکت و اما در روابط و مناسبات خارجی رواجی رواجی که امید ایم
این است که با حرکت ایران رابطه حتر و مودت کامله داشته و روابط دویم با ایران



مرکز مطالعات و مشاورات
انقلاب اسلامی



جنرال قونسلکری دولت علیہ ایران در بین النہرین

بغداد

اداره
مؤرخه
مفسره
مؤلفه

فقط رابطہ اسمی بر ذہ با یعنی کہ امارت محمرہ اسماء در کت ریاست حکومت اعلی حضرت شاہ ایران بھیر
ہمینا یکہ مصر لبنان و سایر ایالات اسماء در کت ریاست حکومت ترکیہ بدو در امارت محمرہ ہمیشہ ادا
استقلال داخلی خود بدوہ ولین فقرہ بر ہمد واضح و اشعار ہست در رابطہ حضرت شیخ با اعلی حضرت شاہ ایران
خیلی کلم بھیر ہست بدلیع ایکہ اعلی حضرت با حضرت شیخ در قصر خود شیخ ملاقات و فایمدران اعلی حضرت
چند روزی برای تفریح در آنجا توقف کردند و حضرت شیخ محمد رفیق و عماد اعلی حضرت بھیر ہست
برو کہ اعلی حضرت مقام کو در از سایر امرای ایران بلند تر و ادا نسبت بہ بلاد و خورش فہرہ یکہ
وین قرار دادہ و سرپرستی رعایا را با دو اکذر انھو بدو و سفری الیہ نیز سواد قصدی نسبت بدو
نداشتہ ہست ماسی ترانیم راجع با اتصال روابط امارت محمرہ بدولت ایران یکہ را ہی صریحی بہ ہم
از نوع حوادثی کہ اخیراً اتفاق افتادہ و مناسبات بین این دو حکومت را تیرہ و تار کردہ است کلام
مصدق نیستیم و فقط اطلاعی کہ ما رسیدہ ہست این ہست کہ شیخ خضر عمرہ و فاداری خود نسبت با اعلی حضرت
ایران کا کان باقیہ و از قرار یکہ میگیرند با اعلی حضرت ہمیشہ و ستانہ و بطور خصوصی ملک مالکینہ
و قصر و سکیم کہ حکومت رضا خان از این مکتب و ہر بانے آئے کہ از طرف امیر محمرہ نسبت با اعلی حضرت
متمم باشد بخصو ص از شہر شیخ خضر عمرہ کہ عرب ہست و کرم و فاداری و بزرگواری دای معنی
عرب ہم بر ہمد معلوم ہست اگر بطوریکہ میگویند حکومت رضا خان دیا بببارہ اخری فرقدار ایران
کہ از این حسن رفتار شیخ خضر عمرہ نسبت با اعلی حضرت (نظر بخود جہان بر او) متمم باشند این
آنها باعث تہدہ و تدارک قثران و مواضع بر یک امارت چندین سالہ کہ بیچ رابطہ محمرہ
اسی حکومت ایران ندارد نمی شود

پس قندی و سہاد از باین خاک یکدیغ قندی شخصی ہست کہ متوجہ شخص شیخ خضر عمرہ و ضرورت
این تاویل صحیح باشد مایترانیم بگوئیم کہ حکومت ایران مرکب یک جنایت سنی نسبت بدو



جنرال قونسلگری دولت علیہ ایران در بین النہرین - ۳ -

بغداد

اداره
مؤرخه
نمبره
تاریخ

زیرا شیخ بطوریکه میگویند شفا در کت حمایت انگلیس هست پس قدمی با دبا نیطری و با این اعتبار
قدمی به لغو و بریطانیا شمرده میشود و تصور میکنیم که بریطانیا در مقام بر این اتفاقات دست برد
دست که از رده بشیند در ایضدست حکومت ایران با ب شررا بر روی خود فخر خرا برد
و این فقره فخر بقرب جوار با ایران اسباب ملالت و افسردگی ما را فراهم خواهد نمود و انظر
باموراری همیشه خیر دولت ایران را خواستیم و میرو داریم که همیشه در مهاد امن آرمیده و از چیزی
که صفای او را تیره رنگ و مسامی و صلا صیه او را عاظم و باطل میکند هر چه در این سیر خود
مرفیقت کامله حاصل نماید .

اما مسئله حمایت بریطانیا از شیخ خز عمر یک مسئله هست که در السند و اخذ از مردم اینباد آسمانند
و اسناد آذربایک و اقمه میندیده هند و میگویند کیفر از ولاد سابق عثمانی در بصره که اسم او
سلطان لطیف بوده در صدد قدمی با ما است محرم بر آمده بود حضرت شیخ هم دید که برای ریش
قدمی از خودش چاره بجز التهای انگلیس ندارد و ناچار با و پناهنده شد با وجود هماینها
ما نیز این بصیرت این مسئله من البه و الی النعم حکم کنیم و آنرا باز منته آید و اگر در میکنیم آن
به تنهایی خبر را بطور جلی ظاهر خواهد ساخت . -